



## Investigating the Cultural and Social Effects of the Transition from Tradition to Modernity on the Physical Structure of Historical Houses in Tabriz

Leila Firozfar Aghaei<sup>1</sup>, Mir Saeed Mousavi\*<sup>2</sup>, Nima Valizadeh<sup>3</sup>, Asadollah Shafizadeh<sup>4</sup>

(Received date: 2023/00/00 - Received date: 2023/00/00)

### Abstract

The house, as one of the most important types of buildings, has always been a platform for social and cultural changes, and an important part of society's developments can be seen in it. From the end of the Qajar period and the beginning of the Pahlavi period, the architecture of houses in most cities, including Tabriz, was affected by social and cultural developments. Considering that most of the historical houses in Tabriz belong to the late Qajar and Pahlavi period, which coincides with the transition from tradition to modernity in Iran. In this research, the effectiveness of this transition on the evolution of the structure of houses was investigated from the perspective of architects. The main strategy of this research was analytical-historical, and data collection was done in a combination of documentary and field methods. For this purpose, a questionnaire to measure the degree of impact (transition from tradition to modernity) in three components of historical houses of Tabriz, including spatial relationships, interior decorations and the main facade, has been prepared in the form of a five-point Likert spectrum and is available to architectural experts who have sufficient knowledge of The houses of this period were placed. The results were analyzed in Expert Choice software and with AHP technique. The results show that there is a relatively significant relationship with the index of interior decorations in the course of this process. In the index of spatial relationships, a significant change is evident in the buildings leading to the first side, and in the third index of the main view of these buildings, no specific meaningful relationship is seen. What is worthy of consideration in this evolution is the greatest impact on the area of the arenas.

**Keywords:** Cultural and Social Changes, Historical houses, Tradition and Modernity, Society, Architecture

<sup>1</sup> PhD student in Architecture, Islamic Azad University, Ahar, Iran, leylafirozfar67@gmail.com

<sup>2</sup> Assistant Professor, Department of Architecture, Islamic Azad University, Tabriz, Iran (corresponding author): ms.moosavi@iaut.ac.ir

<sup>3</sup> Assistant Professor, Department of Architecture, Islamic Azad University, Tabriz, Iran Nima.valizadeh@iaut.ac.ir

<sup>4</sup> Assistant Professor, Department of Architecture, Islamic Azad University, Ahar, Iran Shafizade.a@gmail.com



10.30495/jsc.2023.199129



بررسی اثرات فرهنگی و اجتماعی گذار از سنت به مدرنیته بر ساختار کالبدی خانه‌های تاریخی تبریز  
لیلا فیروزفر آقایی<sup>۱</sup>، میرسعید موسوی<sup>۲\*</sup>، نیما ولیزاده<sup>۳</sup>، اسدالله شفیع زاده<sup>۴</sup>  
(تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۰/۰۰ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۰/۰۰)

## چکیده

خانه، به منزله یکی از مهمترین گونه‌های ساختمانی، همواره بستر تغییرات اجتماعی و فرهنگی بوده و بخش مهمی از تحولات جامعه را می‌توان در آن مشاهده کرد. از اواخر دوره قاجار و اوایل دوره پهلوی، معماری خانه‌ها در بیشتر شهرها از جمله تبریز تحت تاثیر تحولات اجتماعی و فرهنگی قرار گرفت. با توجه به اینکه اکثر خانه‌های تاریخی تبریز مربوط به اواخر دوره قاجار و پهلوی هستند، که مصادف با جریان گذار از سنت به مدرنیته در ایران می‌باشد. در این پژوهش، نحوه اثرپذیری این گذار بر تحول ساختار خانه‌ها از دید معماران بررسی گردید. راهبرد اصلی این تحقیق، تحلیلی-تاریخی بود و گردآوری اطلاعات به صورت ترکیبی از روش اسنادی، میدانی انجام شد. بدین منظور، پرسشنامه‌ای برای سنجش میزان تاثیر گذار از سنت به مدرنیته در سه مولفه خانه‌های تاریخی تبریز شامل روابط فضایی، تزئینات داخلی و نمای اصلی به صورت طیف پنج مرحله‌ای لیکرت تنظیم شده و در اختیار متخصصان معماری که شناخت کافی از خانه‌های این دوره داشتند قرار گرفت. نتایج در نرم افزار Expert Choice و با تکنیک AHP مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان می‌دهد شاخص تزئینات داخلی در سیر این روند یک رابطه نسبتاً معناداری وجود دارد. در شاخص روابط فضایی تغییر معنادار در بناهای منتهی به پهلوی اول مشهود است و در شاخص سوم نمای اصلی این بناها رابطه معنادار مشخصی دیده نمی‌شود. آنچه که قابل تامل است در این سیر تحول بیشترین تاثیر در مساحت عرصه‌ها می‌باشد.

واژگان کلیدی: تغییرات فرهنگی و اجتماعی، خانه‌های تاریخی، سنت و مدرنیته، جامعه، معماری.

leylafiroozfar67@gmail.com

ms.moosavi@iaut.ac.ir

Nima.valizadeh@iaut.ac.ir

Shafizade.a@gmail.com

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری معماری، دانشگاه آزاد اسلامی اهر، اهر، ایران.

<sup>۲</sup> استادیار گروه معماری، دانشگاه آزاد اسلامی تبریز، تبریز، ایران (نویسنده مسئول):

<sup>۳</sup> استادیار گروه معماری، دانشگاه آزاد اسلامی تبریز، تبریز، ایران.

<sup>۴</sup> استادیار گروه معماری، دانشگاه آزاد اسلامی اهر، اهر، ایران.



10.30495/jsc.2023.199129



## مقدمه

درک خانه و جایگاه آن در نظام روابط اجتماعی مردم و جامعه با در نظر گرفتن تمامی وجوه نمادین، نهادین، مادی، زیبایی‌شناسانه یا همان «فرهنگ خانه» امکانپذیر است. آنچه که فرهنگ خانه نامیده میشود دربردارنده ریشه‌ها، کارکردها و الگوهای فرهنگی و اجتماعی مسکن در هر جامعه معین است. خانه از دیدگاه اقتصادی نوعی کالا، از دیدگاه هنری نماد، از دیدگاه جامعه‌شناسانه نهاد، از دیدگاه مهندسی و معماری بنا یا ساختمان، از دیدگاه شهرسازی فضا و از دیدگاه انسان‌شناختی نوعی فرهنگ است که تمام ابعاد مذکور را در بر دارد (فاضلی، ۱۳۸۶: ۲۷). ایران در اوایل قرن بیستم، مصادف با دوره پهلوی اول تغییرات گسترده‌ای را از سرگذراند که این تغییرات بر ساختار اجتماعی، روابط قدرت و زبان سیاسی آن دوره تأثیر اساسی گذاشت. نفوذ روز افزون اروپائیان موجب تضعیف دولت، اقتصاد داخلی و نخبان سنتی شد و در نتیجه ایران را در معرض جریان پیشروی سریع نظام سرمایه داری روبه گسترش غرب قرار داد. اولین جریان نوگرایی در سبک زندگی ایرانیان، به تقلید از غرب در اواخر دوره قاجار در جامعه ایران رخ داد و بیشترین تأثیر را در معماری خانه‌ها نشان داد (پیتر آوری، ۱۳۸۶: ۴۳). با ادامه گسترش روابط ایران و غرب، تجدد طلبی روز به روز فزونی یافت و روشنفکران با ترویج افکار و اندیشه‌های غربی در قالب مشروطه خواهی پایه‌های اقتدار سیاسی قاجار را تضعیف کردند و با حمایت آنها قاجار ساقط شد و سلسله پهلوی ظهور پیدا کرد و بدین ترتیب رضا شاه مجری قهاری برای اندیشه متجدد طلبان در ایران شد. یکی از اهداف عمده حکومت پهلوی، تغییر سبک زندگی به شیوه تجدد غربی بود. در این راستا فعالیت‌هایی نظیر نوسازی و تجهیز ارتش، ایجاد بروکراسی و مرکزگرایی، توسعه نهادهای آموزشی نوین، تلاش برای حضور بیشتر زنان در عرصه عمومی، کشف حجاب، متحد الشکل کردن لباس، تلاش برای تضعیف نهادها و نیروهای سنتی و مذهبی بر طبق تصویر غرب صورت گرفت و به دنبال آن زمینه‌های تحول معماری هم آشکار شد (هدایت نقل شده در ابراهیمی، سلطان زاده و میرشاهزاده، ۱۳۹۶: ۵۰۶ و اتابکی، ۱۳۸۳: ۱۸). سیاست تجدد گرانه به تریخ فضای سنتی و اجتماعی و همین‌طور سیاسی ایران را تغییر داد، نهادهای تازه‌ای چون ارتش منظم، نظام پولی واحد و برنامه‌های آموزشی عرفی بنا گذاشته شد و ساخت بناهایی با کاربری جدید و بر اساس الگوی معماری غرب آغاز شد (اتابکی، ۱۳۸۳: ۱۸). با نگرشی کلی به تحولات جامعه ایران در گذار از سنت به مدرنیته، چنین به نظر میرسد که شناخت هویت مفهومی معماری خانه‌های آن دوره و چگونگی تأثیرپذیری آن از تحولات جامعه با توجه به گذر از سنت به تجدد و با دخیل شدن کلیه عوامل خارجی در آن، مورد توجه معماران و پژوهشگران متعدد بوده است.

علی‌رغم توجه به خانه‌های تاریخی تبریز در سال‌های اخیر، مطالعات تحلیلی دقیق از چگونگی تغییر ماهیت معماری آنها در اثر تحولات اجتماعی و فرهنگی انجام نشده و بیشتر پژوهش‌ها به معرفی خانه‌ها



10.30495/jssc.2023.199129



بسنده کرده اند. با توجه به اینکه اکثر خانه‌های تاریخی موجود در تبریز مربوط به اواخر دوره قاجار و پهلوی هستند (خانه‌های دوره‌های قبل در زلزله مهیب سال ۱۱۹۳ ق از بین رفته اند)، که مصادف با جریان گذار از سنت به مدرنیته در ایران است، در این پژوهش، نحوه تاثیر گذاری این گذار بر تحول ماهیت خانه‌ها در چهار مولفه شامل روابط فضایی، تزئینات داخلی، نمای اصلی، روش ساخت و مصالح از دید معماران بررسی شده و به صورت زوجی مقایسه تطبیقی انجام شده است.

### تاثیر تحولات فرهنگی و اجتماعی بر تغییر ماهیت خانه

نگاهی به تاریخ ایران پس از مشروطه، نشان می‌دهد که تا اواخر دوران قاجار، در خانه‌های طبقه متوسط وضع بسان قبل بود؛ هنوز حیاط فضایی مستقل و اصلی بود که در میانه آن حوضی قرار داشت و آب و آسمان و درخت را به خانه هدیه می‌داد. به تدریج در خانه‌های اشراف و متمولان، بارقه‌های مدرنیزاسیون در تزئینات پیدا شد؛ لیکن اسلوب کلی خانه‌ها بر همان سیاق قبلی بود. رفته رفته این تأثیرپذیری از تزئینات به مبلمان و به عبارتی انتظام فضاها سرایت کرد و سپس به اسلوب خانه نیز راه یافت. آمدن میز و صندلی و لوستر و شومینه و... هرچند در ابتدا معنی ای جز همان تزئینات نداشت، ناخودآگاه عاملی شد بر تحول سبک زندگی (بهشتی، ۱۳۹۵). در ادامه، گونه‌ای از مسکن رواج یافت که کمتر حالت درون گرایی داشت؛ مانند گذشته به خیابان پشت نکرده و حتی دارای پنجره است. در عین حال، این مسکن دارای دری جدا از درب حیاط است که مستقیماً به سرسرای خانه راه دارد و ساکنان بدون نیاز به تردد از حیاط، به داخل فضای خانه راه می‌یافتند. به علاوه، گونه‌های دیگر مسکن، از جمله خانه باغ‌ها در شهرهای نفتی، آپارتمان‌های کوچک در طبقه بالای واحدهای تجاری در خیابان‌های نوساز پهلوی، خانه‌های دوبلکسی، کوی‌ها و آپارتمان‌های مسکونی با اعتبار دولتی، خانه‌های سازمانی و... توسط معماران حرفه‌ای یا بخش دولتی یا سازندگان غیرحرفه‌ای ساخته شد. در مجموع، عوامل مؤثر بر این تغییرات کالبدی گاه ناشی از اعمال سیاست‌های جدید حکومت و تغییر سبک‌های معماری بوده که تأثیرات خود را در زمان کوتاه تری نشان داده است؛ و گاهی نیز ناشی از نواخواهی مردم و تغییر در تقاضای جامعه بوده که به تدریج رخ داده است (حق شناس و حناچی، ۱۳۹۹).

از ابتدای قرن حاضر و با شروع دوران پهلوی تحولات وسیعی در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی ایران به وقوع پیوست. تمرکز روزافزون قدرت و نظام کشوری، جنگ جهانی دوم، کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، اجرای برنامه‌های توسعه و افزایش مبادلات اقتصادی و فرهنگی با غرب نمونه‌هایی از این تحولات بودند که اثرات جمعیتی، کالبدی و فرهنگی وسیعی بر جای گذاشتند (طالبی، حجت و فرضیان، ۱۳۹۳: ۲۴). البته شروع برخی از این تحولات را می‌توان از قرن پیش و در زمان حکومت قاجار جست و جو کرد. حضور مستشاران، مبلغان دینی و متخصصان غربی در ایران و تعامل ایشان با عموم مردم و ارایه سبک متفاوت زندگی، حضور معماران خارجی در ایران و اعزام دانشجویان ایرانی به خارج از کشور، ساخت شهرک‌های



10.30495/jssc.2023.199129



جدید مسکونی توسط شرکت‌های صنعتی و نفتی، آموزش اصول نوین بهداشت و سبک خانه داری در مدارس و مجلات معماری و نشریات زنان، از جمله عوامل خارجی مؤثر بر تغییر سبک زندگی و معماری خانه هستند (حق شناس و حناچی، ۱۳۹۹).

### ضرورت تحقیق:

تبریز از ابعاد گوناگون همواره به عنوان یکی از تاثیرگذار و تاثیرپذیرترین از شهرهای ایران در تحولات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی این دوره بوده است. به سبب این امر، معماری شهر تبریز دستخوش تغییراتی می‌گردد. که در معماری خانه‌ها علاوه بر ادامه روند معماری سنتی، بروز سبک‌های معماری غربی مشاهده می‌گردد. امروزه مشاهده می‌شود در ساخت بناها تاثیرپذیری الگوهای غربی، الگوهای شرقی و یک سری ساختارهایی از هم گسیختگی که از هیچ گونه الگوهایی پیروی نمی‌کند. آنچه که بدیهی است همواره یک رابطه قوی و تاثیرگذاری دو طرفه بین معماری و ساختارهای فرهنگی و اجتماعی هر جامعه وجود دارد. برای درک این تاثیر و هدایت هوشمندانه و هدفمند آن، نیاز به شناخت سیر تحول در بازه‌های زمانی تاثیرگذار در محیط پژوهش می‌باشد.

### بیان مسئله:

پژوهش در باب ماهیت اثر معماری و تاثیرپذیری آن از زمان، از گذشته‌های دور مورد توجه فیلسوفان و اهل اندیشه از افلاطون و ارسطو تا نیوتن، لایبنیتس، کانت، هگل، هایدگر و... بوده است و هریک فراخور فهم و اقتضای نظام فکری‌شان روایتی از مکاشفات ذهنی خود درباره آن عرضه کرده‌اند (شکری، ۱۳۹۵). در این میان، عناصر مرتبط با معماری همچون فضا، مکان، فرم و عملکرد و .... از زوایای مختلف مورد بررسی قرار گرفته است.

لینچ در کتاب تئوری شکل شهر، معنای مکان را حاصل رابطه بین عناصر فضا با ساختارهای ذهنی مشاهده گر می‌داند. در این تعریف منظور از عناصر و اجزای فضا، عواملی است که محیط کالبدی به وسیله آنها تعریف می‌شود. الگوهای ذهنی در تعریف لینچ در برگیرنده تمام مفاهیم و ارزش‌هایی است که شامل فرهنگ، منش، موقعیت، تجربه، ساختار اجتماعی و ... استفاده کنندگان از فضا است (لینچ، ۱۳۸۷: ۷۶). آموس راپاپورت نقش فرهنگ و ساختار اجتماعی حاکم بر یک جامعه را در شکل‌گیری معنای محیط، بسیار با اهمیت می‌داند. به اعتقاد وی «مردم به یاری فرهنگ یعنی مجموعه ارزش‌ها، باورها، جهان بینی و نظام‌های نهادی مشترک، به محیط خود معنی داده و فضای بی معنی را به مکان تبدیل می‌کنند. از دیگر سو، او اعتقاد دارد که فرهنگ به گونه‌ای نامستقیم یکی از پایه‌های اصلی زندگی روانی انسان‌هاست و با مطالعه فرهنگ می‌توان به ادراک انسان از محیطی که گرداگرد خود ساخته، پی برد.» به عبارتی واکنش افراد نسبت به محیط‌های مختلف متأثر از معانی است که از آن محیط‌ها ادراک می‌کنند به نوعی که حتی



10.30495/jssc.2023.199129



رفتارهای افراد در محیط بسته به معانی است که از محیط دریافت می‌کنند ( Rapaport, 1982: 93 ) .

زمینه ایجاد چنین انتخابی بدون تردید، پدیده اجتماعی مدرنیسم (مدرنیته) بود. نگرش‌های جدید، برداشت‌های تازه و تفکرات نوین در کنار نیازهای و خواست‌های جدید که همگی زاینده تفکر مدرنیته بود پشتوانه مناسبی را برای چنین انتخابی فراهم کرده بود. این گفته ویکتور کوزین فیلسوف فرانسوی قرن نوزدهم را که «التقاط‌گرایی هرگز نمی‌تواند هنر تازه‌ای پدید آورد ولی قادر است به عنوان یک شیوه انتقالی و دوره گذار عمل کند» (کیانی، ۱۳۸۶: ۱۵۷).

در حال حاضر شهر تبریز مواجه است با یک سری معماری بی‌هویت که پیروی از الگوهای نامتعارفی که به شکل نامتعارف تر هم اجرا می‌شود. این سبک معماری که رایج است و هیچ هویتی را نمی‌توان تعریف کرد چه سنتی، چه پست مدرن و چه مدرن که با هم هیچ تطبیقی ندارد و با نیازهای اجتماعی و فرهنگی و زیستی روزمره ساکنین نیز مطابقت ندارد. در این راستاها می‌توان با بررسی معماری گذشته خانه‌های قدیمی تبریز که ریشه در معماری مکتب تبریز دارد و با فرهنگ و ساختارهای اجتماعی آن تطبیق داشته است، به یکسری الگوهایی دست پیدا کرد که نوع، نحوه و میزان تاثیر تحولات فرهنگی و اجتماعی در دوره‌های گذشته را تبیین کرد. در حال حاضر روند معماری و شهرسازی ناهمگون با ترکیب اجتماعی و مولفه‌های فرهنگی حاکم بر شهر، شهر را می‌توان از جدی‌ترین آسیب‌های اجتماعی موجود برشمرد.

### هدف و سوال پژوهش:

تبیین تاثیر گذاری تحولات فرهنگی و اجتماعی در تحول معماری خانه‌های تاریخی تبریز در گذار از سنت به مدرنیته.

آیا الگوی قابل‌تعمیم در سیر تحول ساخت خانه‌های دوره قاجار تا پهلوی اول شهر تبریز تحت تاثیر تحولات فرهنگی و اجتماعی این زمان وجود دارد؟

### روش تحقیق:

روش گردآوری اطلاعات در این پژوهش، ترکیبی از روش اسنادی، مشاهده و پیمایشی بود. بر اساس مستندات سازمان میراث فرهنگی تبریز در حدود ۵۷۳ باب بنای دارای ارزش معماری وجود دارد که از میان آنها تقریباً ۱۵۴ باب از این بناها مربوط به دوره هدف (دوره قاجار تا اوایل دوره پهلوی اول) می‌باشد. در این پژوهش با لحاظ پراکنش این بناها در بافت تاریخی ۱۶ باب به عنوان نمونه با بازه زمانی ساخت متفاوت (از قدیمی‌ترین تا اواخر قاجار) انتخاب گردیده است. به منظور ارزیابی این بناها در راستای اهداف تحقیق، پرسشنامه‌ای برای سنجش میزان تاثیر و تجلی سنت یا مدرنیته در سه مولفه خانه‌های تاریخی تبریز شامل روابط فضایی، تزئینات داخلی و نمای اصلی به صورت طیف پنج مرحله‌ای لیکرت (کاملاً سنت



10.30495/jsc.2023.199129



گرا، نسبتاً سنت گرا، ترکیب برابر، نسبتاً مدرن، کاملاً مدرن) تنظیم شده و در اختیار ۳۵ نفر از متخصصان معماری که شناخت کافی از ماهیت معماری خانه‌های این دوره داشتند قرار داده شد. نهایتاً تعداد ۳۰ پرسشنامه تکمیل و جمع‌آوری گردید که یافته‌های پژوهش بر مبنای نتایج این پرسشنامه‌ها تدوین شده است. بازه زمانی مد نظر برای پژوهش از اواخر دوره قاجار تا اوایل دوره پهلوی اول می‌باشد که تعداد ۱۶ خانه مرمت شده و حفاظت شده مربوط به این دوره که قابل بازدید هستند مورد بررسی قرار گرفته است. خلاصه‌ای از اطلاعات مربوط به خانه‌های منتخب در جدول شماره ۱ آمده است.

جدول ۱: مشخصات خانه‌های مورد مطالعه

کد خانه	نام خانه	زمان ساخت	موقعیت	مساحت
۱	خانه صحتی	اواخر دوره قاجار و اوایل دوره پهلوی	خیابان شهید مطهری (راسته کوچه)، کوچه گوگانی	حدود ۸۴۴ مترمربع زیربنا و ۴۰۹ متر مربع مساحت
۲	خانه شربت اوغلی	اواخر دوره قاجار	خیابان شهید ثقفی الاسلام، روبه روی مقبره الشهداء (ایران‌شناسی) محله قدیمی سرخاب	۱۵۰۰ متر مساحت و ۱۳۰۰ متر زیربنا
۳	خانه مجتهدی	احتمالاً اواخر دوره قاجار و اوایل دوره پهلوی	خیابان جمهوری اسلامی، روبروی استانداری	۱۲۰۰ مترمربع وسعت
۴	خانه رستگار	اوایل حکومت پهلوی	نبش خیابان ارتش جنوبی و باغشمال (فرهنگستان زبان و ادب فارسی)	زیربنای ۴۲۰ متر مربع
۵	خانه کوزه کنانی (مشروطه)	دوره قاجاریه	خیابان استاد مطهری (راسته کوچه)، روبه روی مسجد جامع	بیش از هزار مترمربع مساحت
۶	خانه گنجه‌ای زاده	بخش شرقی دوره قاجار و بخش غربی اوایل پهلوی	خیابان مقصودیه، جنب مسجد کدخداباشی	سه هزار متر مربع مساحت
۷	خانه قدکی	اواسط دوره قاجاریه	خیابان مقصودیه، کوچه مشیردفر	۱۳۴۰ مترمربع
۸	خانه بهنام	اواخر دوره زندیه و اوایل دوره قاجار	خیابان مقصودیه، کوچه مشیردفر	حدود ۹۰۰ مترمربع
۹	خانه لاله‌ای‌ها	دوره پهلوی اول	خیابان ارتش، کوچه صدر، بن بست فتح اله زاده	حدود ۹۰۰ مترمربع



10.30495/jssc.2023.199129



۱۰	خانه نیشابوری (مهد قرآن)	اواخر دوره پهلوی اول	خیابان فردوسی، کوچه اردبیلی‌ها روبه روی مسجد استاد شاگرد
۱۱	خانه ساوجبلاغی‌ها	دوره پهلوی اول	خیابان امام، انتهای خیابان کهنه، بن بست ساوجبلاغی‌ها
۱۲	خانه حاج شیخ	دوره قاجار	خیابان ارتش شمالی، بازارچه رنگی، در بند حاج شیخ
۱۳	خانه علوی	به اواسط دوره قاجار	شمس تبریزی، ایستگاه گرو، کوچه صرافلار
۱۴	خانه کلانتری	دوره قاجاریه	باغ‌میشه، خیابان شهریار، کوچه‌های شمی
۱۵	خانه امیرنظام	دوره قاجاریه	خیابان ششگلان، جنب سازمان صنایع
۱۶	خانه کلکته چی	دوره پهلوی اول	محله راسته کوچه و بن بست کلکته چی

در ادامه پژوهش، سطوح مختلف تاثیرگذاری سنت و مدرنیته بر متغیرها به صورت دو به دو مقایسه شده اند. اما با توجه به اینکه اطلاعات حاصل از پرسشنامه بر مبنای گذار از سنت به مدرنیته و در سطح رتبه‌ای جمع‌آوری شده است؛ لازم است که نتایج تبدیل به سطح قابل بررسی در مدل AHP گردد. با توجه به اینکه در ساختار سلسله مراتبی گذار از سنت به مدرنیته، گزینه‌ی «کاملا مدرن» در بالاترین سطح و گزینه‌ی «کاملا سنت‌گرا» در پایین‌ترین سطح قرار دارد چنانچه آنها را در یک طیف رتبه‌ای دسته بندی کنیم بالاترین امتیاز ۵ برای «کاملا مدرن» و پایین‌ترین امتیاز برای «کاملا سنت‌گرا» یعنی یک خواهد بود لذا هرچه میانگین نزدیک به ۵ باشد یعنی آن مولفه در ساختار گذار از سنت به مدرنیته متمایل به سطح «کاملا مدرن» است و هرچه متمایل به یک باشد یعنی به سطح «کاملا سنت‌گرا» نزدیک است. میان این دو سطح، سه سطح «نسبتاً سنت‌گرا» با امتیاز ۲، «ترکیب برابر» با امتیاز ۳ و «نسبتاً مدرن» با امتیاز ۴ قرار دارد که میانگین مولفه‌ها جایگاه هر یک از مولفه‌ها را در این ساختار نشان می‌دهد.





10.30495/jssc.2023.199129



جدول ۲: شاخص‌های توصیفی مولفه‌های پژوهش

انحراف استاندارد	میانگین	بیشترین مقدار ممکن	کمترین مقدار ممکن	تعداد	مولفه‌ها
۰/۴۷	۲/۱۳	۵	۱	۳۰	روابط فضایی
۰/۵۲	۲/۵۴	۵	۱	۳۰	تزیینات داخلی
۰/۵۳	۲/۵۰	۵	۱	۳۰	نمای اصلی

### روایی و پایایی

در این پژوهش به منظور بررسی روایی که مقیاس و محتوای ابزار سنجش (سوالات پرسشنامه) با متغیرهای پژوهش نشان می‌دهد از شیوه‌ی روایی صوری (Face Validity) استفاده شده است. همچنین، به منظور اطمینان از پایایی پژوهش از دو روش آلفای کرونباخ و ضریب ناسازگاری به جهت استفاده از تکنیک AHP استفاده شده است. بدین صورت که در ابتدا آلفای کرونباخ برای مجموع مولفه‌های پژوهش اندازه‌گیری شده که مقدار آن ۰/۹۸۷ بوده و لذا به جهت بالاتر بودن آن از ۰/۷، پایایی کلی پرسشنامه در سطح مطلوب مورد تایید قرار گرفته است. سپس به منظور اطمینان از مقایسات زوجی و پایایی داده‌ها در هریک از مولفه‌های پژوهش، ضریب ناسازگاری با استفاده از نرم افزار Expert Choice محاسبه شده که نتایج آن در جدول زیر منعکس شده است.

جدول ۳: آزمون پایایی پرسشنامه‌ی پژوهش

پایایی کل		پایایی پرسشنامه به تفکیک مولفه‌ها	
آلفای کرونباخ	تعداد سوالات	ضریب ناسازگاری	مولفه‌ها
۰/۹۸۷	۸۰	۰/۰۲۴	روابط فضایی
		۰/۰۱۹	تزیینات داخلی
		۰/۰۲۷	نمای اصلی

### توزیع فراوانی پاسخگویان از نظر سن

جدول شماره ۴ توزیع فراوانی پاسخگویان را از نظر سن نشان داده است. با توجه به این جدول مشاهده می‌شود که سن ۵۰ درصد (معادل ۱۵ نفر) پاسخگویان بین ۳۱ تا ۴۰ سال و سن ۵۰ درصد (معادل ۱۵ نفر) بقیه بین ۴۱ تا ۵۰ سال است.



10.30495/jssc.2023.199129



جدول ۴: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب سن

سن	فراوانی	درصد
۳۱ تا ۴۰	۱۵	۵۰
۴۱ تا ۵۰	۱۵	۵۰
جمع	۳۰	۱۰۰

### توزیع فراوانی پاسخگویان از نظر تحصیلات

جدول شماره ۵ مشخصات پاسخگویان را از نظر تحصیلات نشان داده است. با توجه به این جدول و نمودار مشاهده می‌شود که ۳/۳ درصد (معادل ۱ نفر) پاسخگویان دارای مدرک کارشناسی، ۳۰ درصد (معادل ۹ نفر) دارای مدرک کارشناسی ارشد و ۶۶/۷ درصد (معادل ۲۰ نفر) دارای مدرک دکترا هستند.

جدول ۵: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب تحصیلات

تحصیلات	فراوانی	درصد
کارشناسی	۱	۳/۳
کارشناسی ارشد	۹	۳۰/۰
دکترا	۲۰	۶۶/۷
جمع	۳۰	۱۰۰

### توزیع فراوانی پاسخگویان از نظر سابقه فعالیت تخصصی در زمینه معماری

جدول شماره ۶ توزیع فراوانی پاسخگویان را از نظر سابقه فعالیت تخصصی در زمینه معماری نشان داده است. با توجه به این جدول و نمودار مشاهده می‌شود که سابقه فعالیت ۶/۷ درصد (معادل ۲ نفر) پاسخگویان بین ۶ تا ۱۰ سال، ۴۰ درصد (معادل ۱۲ نفر) بین ۱۱ تا ۱۵ سال، ۳۰ درصد (معادل ۹ نفر) بین ۱۶ تا ۲۰ سال و سابقه فعالیت ۲۳/۳ درصد (معادل ۷ نفر) پاسخگویان بالاتر از ۲۰ سال است.

جدول ۶: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب سابقه فعالیت

سابقه (سال)	فراوانی	درصد
۶ تا ۱۰	۲	۶/۷
۱۱ تا ۱۵	۱۲	۴۰/۰
۱۶ تا ۲۰	۹	۳۰/۰
بیشتر از ۲۰	۷	۲۳/۳
جمع	۳۰	۱۰۰



10.30495/jscc.2023.199129



## یافته‌ها

در این مرحله، به منظور تبدیل نتایج حاصل از پرسشنامه‌ها در مقایسه‌ی زوجی اختلاف میانگین هریک از زوجها از یکدیگر محاسبه شده و سپس در گام بعدی نتیجه‌ی به دست آمده در اختلاف بین بالاترین امتیاز و کمترین امتیاز در مدل AHP که برابر با ۸ خواهد بود ضرب گردید.

جدول ۷: مقایسه‌ی زوجی مولفه‌های پژوهش

مؤلفه‌ی اول	اختلاف میانگین	اختلاف میانگین*۸	امتیاز ارجحیت یا اهمیت	مؤلفه‌ی دوم
روابط فضایی	-۰/۴۱	-۳/۲۸	-۸	تزیینات داخلی
روابط فضایی	-۰/۳۷	-۲/۹۶	-۷/۲۲	نمای اصلی
تزیینات داخلی	۰/۰۴	۰/۳۲	۰/۷۸	نمای اصلی

## بحث و نتیجه‌گیری

بر اساس بررسی‌های ۱۶ باب خانه انتخاب شده با بازه زمانی از اول دوره قاجار تا اول دوره پهلوی با ۳ مؤلفه تزیینات داخلی، نمای اصلی و روابط فضایی نتایج حاصل نشان می‌دهد در این سیر و تحول زمانی در مؤلفه تزیینات داخلی با گذشت زمان در دوره هدف رابطه معناداری وجود داشته و اثرات سبک‌های مدرنیته در اجزا و حتی بعضاً در کلیات مشاهده می‌شود. در مؤلفه نمای اصلی در اکثر بناهای بررسی شده سیر تحول و گرایش به الگوهای مدرن مشهود بوده و بین تحول دوره و عناصر نماهای اصلی به خصوص اجزای زیبا شناختی رابطه معنا دار تا حد قابل توجهی وجود دارد.

در خصوص مؤلفه روابط فضایی بر خلاف ۲ مؤلفه قبلی با سیر تحول دوره هدف و تغییرات چشم گیر وجود نداشته و یک روند ثابت را در بر داشته است. با لحاظ وقایع و جریان‌های شالوده‌ای در این دوره زمانی از جمله ورود مستشاران نظامی، فرهنگی و سیاسی و گسترش وسیع تجارت با جهان خارج از مرزها و اعزام افراد زیادی برای ادامه تحصیل به غرب و گسترش زیر ساخت‌های فرهنگی از جمله مطبوعات و نهضت ترجمه و تبادلات فرهنگی و اجتماعی گسترده به خصوص بعد از جنگ جهانی اول و .... نشان می‌دهد جامعه ایرانی به خصوص تبریز از لحاظ مؤلفه‌های زیبا شناختی و سبک زندگی روزمره تا حدودی از این تحولات تاثیر پذیرفته اما به جهت وجود ریشه‌های عمیق مذهبی و ایدئولوژیکی در روابط اجتماعی و



10.30495/jssc.2023.199129



ساختارهای فرهنگی متکی به باورهای دینی بوده و مفاهیمی چون اشرافیت، محرمیت و مفهوم اندرونی و بیرونی را در محیط زندگی، خود را پایبند نگه داشته است.

## منابع

- آوری، پیترو. ۱۳۸۶. تاریخ معاصر ایران. ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، نشر نو.
- اتابکی، تورج. ۱۳۸۳. تجدد آمرانه: جامعه و دولت در عصر رضاشاه، ترجمه مهدی حقیقت خواه، نشر ققنوس.
- بهشتی، سید محمد. ۱۳۹۵. خانه (از آغاز پهلوی اول تا دهه چهل شمسی). دو فصلنامه مطالعات معماری ایران (۱۰): ۲۲۹-۲۴۲.
- کیانی، مصطفی. ۱۳۸۶. معماری در دوره پهلوی اول، تهران، نشر هنر، ص ۱۴۴، ص ۵۰.
- حق شناس، محیا و حناچی، پیروز. ۱۳۹۹. بررسی عوامل مؤثر بر تحول کالبدی خانه و فرهنگ زندگی در یک قرن اخیر ایران «مورد پژوهشی: تحولات الگوی خانه در شهر تاریخی لار». مطالعات معماری ایران. شماره ۱۷ - بهار و تابستان ۹۹.
- شکری، محمد. ۱۳۹۵. مکان در پدیدارشناسی اگزستانسیالیستی مرلوپوتنی. فصلنامه فلسفه و کلام اسلامی آینه معرفت، دانشگاه شهید بهشتی. بهار ۹۵، کد مقاله ۸۵۷۱.
- طالبی، حامد، عیسی حجت، و محمد فرضیان. ۱۳۹۳. بررسی نقش حکومت، مردم و معماران در پیدایش کوی‌های مسکونی کوتاه مرتبه تهران در دوره پهلوی دوم. نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی ۱۹(۱): ۲۳-۳۲.
- لینچ، کوین. ۱۳۸۷. تئوری شکل شهر. ترجمه: سید حسین بحرینی. تهران: دانشگاه تهران.
- Rapoport, A. (1982). The meaning of the built environment: a nonverbal communication approach, Arizona: University of Arizona Press.